

مدل میل به خیانت براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ترومای کودکی با نقش میانجی رفتار دلبستگی در روابط زناشویی

Model of Desire For Infidelity Based on Early Maladaptive Schemas and Childhood Trauma Experience With The Mediating Role of Attachment Behavior in Marital Relationships

Maryam Azizi

M.A. in family clinical psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran.

Ali Soleimani *

Associate Professor, Department of Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran.

alisoileimani42@yahoo.com

Reyhane Ranaiefar

Master's student in family clinical psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran.

مریم عزیزی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی خانواده، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

علی سلیمانی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه روان شناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

ریحانه رعنائی فر

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی خانواده، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

Abstract

This research was conducted to investigate the mediating role of attachment behavior in marital relationships in the relationship between early maladaptive schemas and childhood trauma, with the desire for infidelity in married men. The current research was a descriptive-correlation type of path analysis. The study's statistical population was all married men in Tehran in 2024. A 377 sample was selected, and the survey was conducted using the available sampling method. Research tools included: The scale of marital infidelity (SMI, Bashirpour & et al, 2017), the Childhood Trauma Questionnaire (CTQ, Bernstein & et al, 2003), the Short form of the Young Schema Questionnaire (YSQ-SF, Young, 1994) and The Brief Accessibility, Responsiveness, and Engagement Scale (BARE, Sandberg & et al, 2012). The data were analyzed using the path analysis method. The path analysis results indicated the model's appropriate fit. The findings indicated that sexual abuse directly predicted the desire for infidelity ($p < 0.001$). Additionally, the domains of detachment and rejection, as well as other orientations, emotional abuse, emotional neglect, and physical neglect, indirectly predicted the desire for infidelity through attachment behaviors toward oneself and one's partner ($p < 0.001$). These results show that primary maladaptive schemas and childhood trauma, considering the important role of attachment behavior, can explain the desire for infidelity in married men, and it is necessary to pay attention to these factors in interaction with each other in programs to reduce the desire for infidelity.

Keywords: Attachment Behavior, Childhood Trauma, Early Maladaptive Schemas, Desire to Infidelity.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی رفتار دلبستگی در روابط زناشویی در رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ترومای کودکی با میل به خیانت در مردان متأهل انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش کلیه مردان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بودند. به روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای به تعداد ۳۷۷ نفر انتخاب و در مطالعه شرکت کردند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس گرایش به خیانت زناشویی (SMI، بشیرپور و همکاران، ۱۳۹۷)، پرسشنامه ترومای دروان کودکی (CTQ، برنشتاین و همکاران، ۲۰۰۳)، فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF، یانگ، ۱۹۹۴) و مقیاس کوتاه دسترسی‌پذیری، پاسخگویی و همدلی (BARE، سندبرگ و همکاران، ۲۰۱۲) بودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل مسیر حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که سواستفاده جنسی به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی میل به خیانت بود ($p < 0.001$). همچنین حیطه انفصال و طرد، دیگر جهت مندی، سواستفاده عاطفی، غفلت عاطفی و جسمی از طریق رفتار دلبستگی به خود و همسر به صورت غیرمستقیم توانستند میل به خیانت را پیش‌بینی کنند ($p < 0.001$). این نتایج نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ترومای کودکی با توجه به نقش مهم رفتار دلبستگی می‌توانند تبیین کننده میل به خیانت در مردان متأهل باشند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های کاهش خیانت زناشویی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: رفتار دلبستگی، ترومای کودکی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، میل به خیانت.

مقدمه

خانواده^۱ به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، نقش بسیار مهمی در تربیت و فرهنگ جوامع ایفا می‌کند و با ازدواج^۲ است که خانواده شکل می‌گیرد (رکوار^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). این نهاد چنان اهمیتی دارد که برخی متخصصان آن را از ارکان اساسی جامعه به حساب می‌آورند و برای رسیدن به جامعه‌ای سالم، وجود خانواده‌ای سالم را ضروری می‌دانند (متکالف^۴، ۲۰۲۳). یکی از دلایل کلیدی اهمیت خانواده این است که ایجاد یک جامعه امن و سالم به خانواده‌های امن نیاز دارد. از شروط اصلی خانواده سالم، روابط مثبت بین اعضا و سلامت روانی آن‌هاست (ای^۵، ۲۰۲۳). از طرفی، اگرچه ازدواج می‌تواند فرصتی برای تجارب مثبت و حمایت عاطفی باشد، همیشه اینطور نیست. در حالی که اکثریت افراد انتظار دارند که همسران در روابط متعهدانه وفادار باشند، این نگرش نمی‌تواند مانع از بروز فریبکاری در ازدواج شود (پروایی و همکاران، ۱۴۰۲). یکی از عوامل مهمی که می‌تواند زندگی زناشویی را تهدید کند، تمایل به خیانت^۶ و برقراری ارتباط عاطفی یا جنسی با دیگران است (روکاخ و چان^۷، ۲۰۲۳). این تمایل شامل همه امیال جنسی و غیرجنسی یک فرد متأهل نسبت به جنس مخالف است که خارج از چارچوب خانواده شکل می‌گیرد و بیشتر نشان‌دهنده تنوع‌طلبی در روابط جنسی است (سوی^۸ و همکاران، ۲۰۲۰). هرچند که خیانت معمولاً به روابط جنسی فرا زناشویی محدود می‌شود، اما می‌تواند شامل روابط نزدیک و اینترنتی یا ترکیبی از این‌ها باشد. به بیان دیگر، خیانت به هر نوع ارتباطی با فردی غیر از همسر اطلاق می‌شود که به‌طور مخفیانه صورت گیرد (بیرم وند و همکاران، ۱۴۰۲). تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً یک سوم مردان و یک چهارم زنان ممکن است حداقل یک بار در طول زندگی مشترک خود به روابط فرا زناشویی کشیده شوند (شروت و ویگل^۹، ۲۰۲۰).

پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که عوامل مختلفی در ایجاد و حتی تداوم میل به خیانت نقش دارند، یکی از این عوامل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه^{۱۰} است (کریمی^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۳). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی ناسازگاری هستند که در مراحل اولیه رشد شکل می‌گیرند و در طول زندگی تداوم می‌یابند و خود را به تجارب بعدی تحمیل می‌کنند (بیشاپ^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۲). به عبارتی، این طرح‌واره‌ها در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند و در بزرگسالی، به ویژه در زندگی مشترک، ظهور می‌کنند (بار^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۳). هر چه این طرح‌واره‌ها ناسازگارتر باشند، تأثیر منفی‌تری بر رضایت و تعهد زناشویی خواهند داشت (گولر^{۱۴}، ۲۰۲۲). روش تعامل والدین با فرزندان، نقش اساسی در شکل‌گیری این طرح‌واره‌ها ایفا می‌کند و می‌تواند مبنایی برای رفتارهای صمیمانه در بزرگسالی و پایبندی به تعهد در زندگی زناشویی باشد (پانوفسکی^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۰). خانواده‌هایی که به شکل‌گیری این طرح‌واره‌ها کمک می‌کنند، معمولاً ناپایدار و سرد هستند و نیازهای اساسی مانند امنیت و همدلی در آن‌ها برآورده نمی‌شود. به همین دلیل، این افراد در زندگی زناشویی خود با بحران مواجه شده و به دلیل ناتوانی در برقراری روابط عمیق و فقدان مهارت‌های ارتباطی، به خیانت به عنوان راهی برای بازیابی عشق و پذیرش روی می‌آورند (سوجتا و سترزلیسکی^{۱۶}، ۲۰۲۳). پژوهش‌های حاکی از آن هستند افرادی با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، بیشتر در معرض تمایل به خیانت هستند. این طرح‌واره‌ها بر صمیمیت زناشویی تأثیر منفی می‌گذارند و این امر می‌تواند به افزایش میل به روابط فرا زناشویی منجر شود (بیک زاده و همکاران، ۱۴۰۲).

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در افراد متأهل به تمایل و حتی اقدام به خیانت زناشویی منجر شود، تجربه ترومای کودکی^{۱۷} است (عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۹). دوران کودکی به عنوان یک مرحله مهم در زندگی شناخته می‌شود که تأثیرات آن بر شخصیت و رفتار فرد در بزرگسالی از سوی متخصصان و نظریه‌پردازان مورد تأکید قرار گرفته است. ترومای دوران کودکی می‌تواند به صورت‌های مختلفی مانند

1 family

2 marriage

3 Becvar

4 Metcalf

5 Ie

6 Infidelity

7 Rokach & Chan

8 Sevi

9 ShROUT & Weigel

10 early maladaptive schemas

11 Karimi

12 Bishop

13 Bär

14 Güler

15 Janovsky

16 Sójta & Strzelecki

17 childhood trauma

سوءاستفاده جنسی، جسمی، هیجانی و غفلت هیجانی و جسمانی بروز پیدا کند (مک کی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات نشان می‌دهد که آسیب‌های اولیه به سیستم‌های عصبی بیولوژیکی آسیب می‌زند و تأثیر منفی بر روان فرد در آینده خواهد گذاشت و منجر به بروز الگوهای رفتاری و شناختی نامناسب می‌شود (کمپبل^۲، ۲۰۲۲). به این ترتیب، بخشی از تمایل به خیانت در بزرگسالی به عنوان نتیجه‌ای از تروماهای کودکی و نوجوانی شناخته می‌شود (روکاچ و چان، ۲۰۲۳). افرادی که در کودکی تجربه تروما دارند، معمولاً مشکلاتی نظیر کمبود عزت نفس، افسردگی و اضطراب را تجربه می‌کنند و در برخی موارد به انکار تجربیات خود می‌پردازند و یا تصویری نادرست از خود ایجاد می‌کنند (کوزمینسکی^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). این افراد ممکن است برای دوری از تبعات آسیب‌ها، درگیر مشکلات رفتاری و اختلافات زناشویی شوند. شواهد نشان می‌دهد که افرادی با سابقه خیانت زناشویی، در دوران کودکی خود با تروماهای هیجانی و روان‌شناختی نظیر محرومیت و احساس درماندگی مواجه بوده‌اند (شهزاد^۴ و همکاران، ۲۰۲۴).

بر اساس مطالب مذکور، هم طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (کریمی و همکاران، ۲۰۲۳) و هم تجربه ترومای کودکی (شهزاد و همکاران، ۲۰۲۴) می‌توانند میل به خیانت زناشویی در افراد متأهل را پیش‌بینی کنند. با این حال، آنچه که اهمیت دارد، شناسایی مکانیسم‌های میانجی است که در ارتباط بین این دو عامل و میل به خیانت نقش دارند. یکی از این متغیرهای میانجی رفتار دلبستگی^۵ در روابط زناشویی است (واراچ و جوزف^۶، ۲۰۲۱). رفتار دلبستگی در رابطه زناشویی به عنوان یک پیش‌بینی کننده برای تمایل به خیانت شناخته می‌شود و خود این فرآیند دلبستگی نیز تحت تأثیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تجربیات تروما در کودکی قرار دارد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که رفتارهای دلبستگی می‌توانند به عنوان یک متغیر میانجی مناسب در این تحقیق در نظر گرفته شوند. بر اساس نظریه بالبی، رفتارهای کلیدی مانند دسترسی‌پذیری و پاسخگویی در روابط تأثیر زیادی بر احساس امنیت یا اضطراب و پریشانی افراد دارند (برگن^۷، ۲۰۲۲). پیوندهای عمیق دلبستگی به ایجاد یک پناهگاه امن در برابر استرس و تردید کمک می‌کند و اعتماد لازم برای مواجهه با خطرات، یادگیری و سازگاری با خود، دیگران و محیط را فراهم می‌آورد. این رفتارها که قابل اندازه‌گیری هستند، تأثیر زیادی بر وضعیت دلبستگی، اضطراب و پریشانی در روابط زناشویی دارند (راجرز^۸ و همکاران، ۲۰۲۲). اگر دسترسی‌پذیری و پاسخگویی زوجین به گونه‌ای باشد که نیازهای زناشویی آن‌ها را برآورده کند، احتمال دیدگاه مثبت به روابط خیانت‌آمیز به شکل قابل توجهی کاهش می‌یابد. این امر نشان‌دهنده اهمیت رفتار دلبستگی در پیشگیری از خیانت زناشویی و تقویت بنیان خانواده است (التینوک و کیلیپ^۹، ۲۰۲۰). همچنین، تحقیقات نشان می‌دهد زمانی که زوجین در زمان پریشانی قادر به بیان انتظارات خاص برای نزدیکی به یکدیگر باشند و طرف مقابل به آرامی به این انتظارات پاسخ دهد، عوامل کلیدی دلبستگی در زندگی زناشویی به ظهور می‌رسد (لی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، افراد با سبک دلبستگی ناایمن که به سؤالات و نیازهای یکدیگر پاسخ نمی‌دهند و در دسترس نیستند، ممکن است نیازهای خود را در زندگی زناشویی برآورده نشده احساس کنند و به مشکلاتی همچون تمایل به خیانت برای ارضای نیازهای عاطفی، جنسی و روان‌شناختی دچار شوند (ال فرن^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۲). به همین ترتیب، تحقیقات نشان داده‌اند که افرادی با طرح‌واره جدایی و طرد، نمی‌توانند دلبستگی ایمن و ارضاکنده‌ای با همسران خود برقرار کنند و این مسئله احتمال خیانت زناشویی را در آن‌ها افزایش می‌دهد (سیسی^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهند طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه که شامل باورها و تمایلات منفی درباره خود و دیگران هستند با سبک‌های دلبستگی ناایمن رابطه مستقیم دارند (خاکپور و همکاران، ۱۴۰۱). افرادی که در گذشته ترومای کودکی را تجربه کرده‌اند، ممکن است به دلیل تجربه‌های منفی از روابط اولیه خود، در بزرگسالی به برقراری روابط دلبستگی ناپایدار و مختل تمایل داشته باشند (پنگ^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۱).

در این راستا، به دلیل ممنوعیت مسئله خیانت زناشویی و مسائل فرهنگی در جامعه ایرانی و همکاری کردن زنان در پژوهش‌هایی که به خیانت زناشویی می‌پردازد، کمتر از مردان است. به همین دلایل در این پژوهش به جامعه و نمونه مردان برای بررسی میل به خیانت زناشویی پرداخته شده است. هر چند خیانت زناشویی در اغلب کشورها، حجم وسیعی از تحقیقات را به خود اختصاص داده است اما شرایط

1 McKay

2 Campbell

3 Kuzminskaitė

4 Shahzad

5 attachment behavior

6 Warach & Josephs

7 Bergen

8 Rogers

9 Altmok & Kiliç

10 Li

11 El Frenn

12 Sisi

13 Peng

خاص فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در ایران مانع از انجام مطالعات کافی و جامع در این زمینه شده است. با استناد به شواهد پژوهشی موجود، اهمیت تأثیرگذاری متغیرهایی چون طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ترومای کودکی و رفتارهای دلبستگی چنین استنباط می‌شود این متغیرها با میل به خیانت در ارتباط هستند، اما تاکنون در پژوهشی این عوامل با هم و در تعامل با یکدیگر در قالب یک پژوهش مدل یابی مورد بررسی قرار نگرفته است. به همین جهت در پژوهش حاضر این عوامل با هم در نظر گرفته می‌شوند و روابط مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها با میل به خیانت بررسی می‌شود؛ بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی مدل میل به خیانت بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ترومای کودکی با نقش میانجی رفتار دلبستگی در روابط زناشویی مردان متأهل بود.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه مردان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بودند که به روش در دسترس نمونه‌ای به تعداد ۳۷۷ نفر انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کردند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کلاین^۱ (۲۰۲۳) استفاده شد. بر اساس نظر کلاین حداقل حجم نمونه لازم برای مدل‌های ساختاری ۲۰۰ نفر است اما با توجه به افت احتمالی شرکت‌کنندگان و ناقص بودن برخی پرسشنامه‌ها حجم نمونه بر اساس عامل‌ها بیشتر (۷۰ نفر) در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، داشتن حداقل مدرک سیکل، گذشت حداقل ۱ سال از زمان ازدواج، عدم مراجعه به روان‌شناس و روان‌پزشک در یک سال گذشته و دامنه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سؤال‌ها بود. شرکت‌کنندگان به صورت آنلاین از طریق لینک دعوت پاسخگویی به پرسشنامه‌های این پژوهش در برنامه‌های واتس آپ و تلگرام، به پرسشنامه‌های موجود در پرس‌لاین پاسخ دادند. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه بود. عدم پژوهشگران با دقت ملاحظه‌های اخلاقی را رعایت کردند تا از هرگونه آسیب جسمی یا روانی به شرکت‌کنندگان اجتناب کنند که شامل آسیب‌های جسمی، عاطفی و روانی ناشی از شرکت در پژوهش می‌شد. همچنین در صورت تمایل از نتایج پژوهش، پس از اتمام پژوهش نتایج در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری و با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۶ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس گرایش به خیانت زناشویی^۲ (SMI): مقیاس گرایش به خیانت زناشویی توسط بشیرپور و همکاران (۱۳۹۷) به منظور سنجش گرایش به خیانت زناشویی متناسب با معیارهای فرهنگ بومی طراحی و تدوین شده است. این مقیاس دارای ۴۵ سؤال و سه مؤلفه خانوادگی، فردی و اجتماعی است و بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره‌گذاری می‌شود و به سنجش گرایش به خیانت زناشویی می‌پردازد. دامنه امتیاز این مقیاس بین ۴۵ تا ۲۲۵ خواهد بود. هر چه امتیاز حاصل شده از این مقیاس بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بیشتر گرایش به خیانت زناشویی خواهد بود و بالعکس. بشیرپور و همکاران (۱۳۹۷) برای بررسی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده کرده‌اند که ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه خانوادگی ۰/۹۲، اجتماعی ۰/۶۸، فردی ۰/۷۹ و کل مقیاس ۰/۹۱ به دست آورده‌اند و برای بررسی روایی همگرایی آن از مقیاس گرایش به پیمان‌شکنی زناشویی^۳ واتلی^۴ (۲۰۰۸) استفاده و ضریب همبستگی بین آن‌ها ۰/۷۱ و معنادار در سطح ۰/۰۱ به دست آورده‌اند که نشان‌دهنده روایی همگرایی مقیاس است. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسشنامه ترومای دروان کودکی^۵ (CTQ): پرسشنامه ترومای دروان کودکی برنشتاین^۶ و همکاران (۲۰۰۳) شامل ۲۸ عبارت و پنج خرده مقیاس است: سوءاستفاده جنسی، سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده عاطفی، غفلت جسمی و غفلت عاطفی. این پرسشنامه با استفاده از مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۵) به ارزیابی موارد فوق می‌پردازد. سه سؤال شماره ۱۰، ۱۶ و ۲۲ به منظور سنجش روایی یا انکار مشکلات دوران کودکی طراحی شده‌اند. نمره‌گذاری سؤالات ۵، ۷، ۱۳، ۱۹، ۲۶ و ۲۸ به صورت معکوس انجام می‌شود. برنشتاین و همکاران (۲۰۰۳) پایایی این ابزار را با استفاده از دو روش: بازآزمایی در فاصله دو ماهه و آلفای کرونباخ، به ترتیب در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش

1 Kline

2 The scale of marital infidelity

3 Attitudes Toward Infidelity Scale

4 Whatley

5 Childhood Trauma Questionnaire

6 Bernstein

کردند. همچنین، همبستگی بالای این ابزار با مصاحبه‌های بالینی بزرگسالان درباره بدرفتاری کودکی در زیرمقیاس‌های مختلف به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۲۷، ۰/۳۲، ۰/۲۰ و ۰/۱۶ به عنوان شاخصی از روایی همگرا بیان شده است (نقل از ذررانی و همکاران، ۱۳۹۹). گروسی و نخعی^۱ (۲۰۰۹) در نسخه ایرانی، پایایی این ابزار را با روش بازآزمایی در فاصله دو هفته و همسانی درونی به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۴ و روایی همگرای آن را با پرسشنامه سلامت عمومی را ۰/۴۰- گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمده است.

پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه^۲ (YSQ-SF): این ابزار در سال ۲۰۰۳ توسط یانگ و همکاران با ۷۵ گویه طراحی شد و ۵ حوزه طرح‌واره اولیه ناسازگار را اندازه‌گیری می‌کند. آزمودنی در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً غلط (۱) تا کاملاً درست (۶) به آن پاسخ می‌دهد. طرح‌واره بریدگی و طرد با سؤال‌های ۱ تا ۲۵، خودگردانی و عملکرد مختل با سؤال‌های ۲۶ تا ۴۵، دیگر جهت‌مندی با سؤال‌های ۴۶ تا ۵۵، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با سؤال‌های ۵۶ تا ۶۵ و محدودیت‌های مختل با سؤال‌های ۶۶ تا ۷۵ ارزیابی می‌شود. کمینه و بیشینه نمره فرد بین ۷۵ تا ۴۵۰ است. کسب نمرات بیشتر توسط آزمودنی، طرح‌واره‌های ناسازگار بیشتر در فرد را نشان می‌دهد. اوبی و بارنوف^۳ (۲۰۰۷) روایی همگرا را ۰/۸۵ و پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ برای تک تک خرده مقیاس‌ها بالای ۰/۷۰ گزارش کردند. در ایران نیز دهقانی و همکاران (۱۳۹۴) همسانی درونی آن را به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۰ و برای ۱۵ عامل ۰/۶۹ تا ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند. همچنین نتایج تحلیل عاملی نشان داد که عامل‌های استخراج شده از قابلیت قابل قبول و رضایت‌بخش برخوردار بودند. روایی همگرایی پرسشنامه با ابزارهای اندازه‌گیری درماندگی روان‌شناختی، عاطفه مثبت و منفی، اعتمادبه‌نفس و آسیب‌پذیری شناختی برای نشانگان اختلال افسردگی و اختلال شخصیت مورد بررسی قرار گرفت و نتایج همبستگی برای شش مالک مذکور به ترتیب ۰/۳۹، ۰/۴۰، ۰/۳۴، ۰/۳۷، ۰/۳۹ و ۰/۳۶- به دست آمد (لطیفی، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای حیطه اول انفصال و طرد (۰/۷۱)؛ حیطه دوم خودگردانی و عملکرد مختل (۰/۸۳)؛ حیطه سوم محدودیت‌های مختل (۰/۷۷)؛ حیطه چهارم دیگر جهت‌مندی (۰/۸۶) و حیطه پنجم گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (۰/۷۳) به دست آمده است.

مقیاس کوتاه دسترسی‌پذیری، پاسخگویی و همدلی طلبی^۴ (BARE): این مقیاس توسط سندبرگ^۵ و همکاران (۲۰۱۲) ساخته شد و شامل ۱۲ سؤال و ۶ خرده مقیاس دسترسی‌پذیری خود (۱ و ۲)، پاسخگویی خود (۳ و ۴)، همدلی طلبی خود (۵ و ۶)، دسترسی‌پذیری همسر (۷ و ۸)، پاسخگویی همسر (۹ و ۱۰)، همدلی طلبی همسر (۱۱ و ۱۲) است. نمره‌گذاری مقیاس در طیف لیکرت پنج درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۵) صورت می‌گیرد. سوالات ۱، ۲، ۵، ۷، ۸ و ۱۱ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمره بین ۱۲ تا ۶۰ قرار می‌گیرد. سندبرگ و همکاران (۲۰۱۲) پایایی آن را بر روی ۱۴۵۹ نفر آمریکایی بررسی کردند و با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۵۳ تا ۰/۷۸ به دست آورده‌اند. روایی همزمان این مقیاس با دلبستگی اضطرابی ۰/۳۵- و با دلبستگی اجتنابی ۰/۵۸- به دست آمد (زیتین اوغلو سایدام^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). این مقیاس توسط رسولی و همکاران (۱۳۹۷) در ایران ترجمه و بررسی شده است و برای بررسی پایایی مقیاس بر روی ۴۰۰ نفر از دانشجویان متأهل شهر تهران از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب بازآزمایی یک ماهه ۰/۹۰ و ضرایب کرونباخ دسترسی‌پذیری، پاسخگویی و همدلی طلبی خود به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۷ و ۰/۸۴ و همچنین ضرایب کرونباخ دسترسی‌پذیری، پاسخگویی و همدلی طلبی همسر به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۶ و ۰/۹۰ به دست آمده است و روایی همگرا مقیاس با متغیر رضایت زناشویی بررسی و ضریب همبستگی ۰/۷۲ و معنادار در سطح ۰/۰۱ و روایی افتراقی با متغیر تعارضات زناشویی بررسی و ضریب همبستگی ۰/۵۸- و معنادار در سطح ۰/۰۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۲ به دست آمده است.

یافته ها

بر اساس نتایج کمترین فراوانی ۳۵ ساله‌ها و بیشترین فراوانی ۳۰ ساله‌ها بودند. میانگین سن افراد شرکت‌کننده ۳۷/۰۲ و انحراف معیار سن ۴/۴۷ بود. همچنین ۶۰ نفر (۱۵/۷ درصد) دارای مدرک راهنمایی، ۶۰ نفر (۱۵/۷ درصد) دیپلم، ۷۶ نفر (۲۰/۸ درصد) فوق‌دیپلم، ۹۸ نفر (۲۶/۴ درصد) لیسانس و ۸۳ نفر (۲۱/۳ درصد) فوق‌لیسانس بودند. میانگین ازدواج این افراد ۶/۵۹ سال با انحراف معیار ۳/۳۱ بود. در جدول ۱ ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

1 Garrusi & Nakhaee

2 Young Early Maladaptive Schema Questionner- Short Form

3 Oei & Baranoff

4 The Brief Accessibility, Responsiveness, and Engagement Scale

5 Sandberg

6 Zeytinoglu-Saydam

مدل میل به خیانت براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ترومای کودکی با نقش میانجی رفتار دلبستگی در روابط زناشویی
Model of Desire For Infidelity Based on Early Maladaptive Schemas and Childhood Trauma Experience With The ...

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

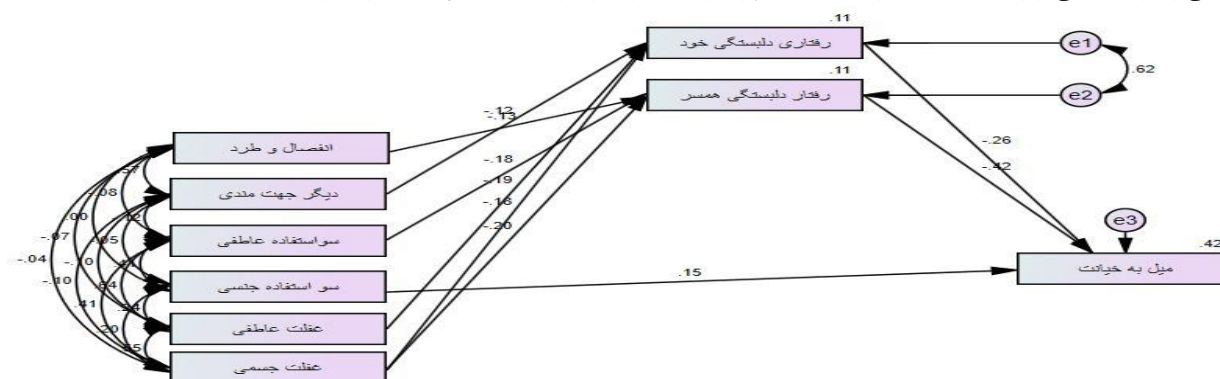
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
													۱. حیطه اول
												-	۲. حیطه دوم
											-	۰/۵۵**	۳. حیطه سوم
											۰/۵۴**	۰/۶۰**	۴. حیطه چهارم
											۰/۵۸**	۰/۵۷**	۵. حیطه پنجم
											۰/۴۱**	۰/۴۰*	۶. سو استفاده عاطفی
											۰/۰۸	۰/۰۸	۷. سو استفاده فیزیکی
											۰/۰۴	۰/۰۶	۸. سو استفاده جنسی
											۰/۰۲	۰/۰۶	۹. غفلت عاطفی
											۰/۰۸	۰/۰۶	۱۰. غفلت جسمی
											۰/۰۷	۰/۰۳	۱۱- دلبستگی خود
											-۰/۱۰*	-۰/۱۱*	۱۲- دلبستگی همسر
											-۰/۰۹	-۰/۱۴*	۱۳- میل به خیانت
											۰/۱۸*	۰/۰۸	میانگین
											۰/۱۸*	۰/۱۹	انحراف معیار
											۰/۱۸*	۰/۱۹	کجی
											-۰/۲۴	۰/۴۷	کشیدگی

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

(حیطه اول: انفصال و طرد؛ حیطه دوم: خودگردانی و عملکرد مختل؛ حیطه سوم: محدودیت‌های مختل؛ حیطه چهارم: دیگر جهت‌مندی؛

حیطه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری)

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنها حیطه خودگردانی و عملکرد مختل و حیطه دیگر جهت‌مندی با میل به خیانت رابطه مثبت معنادار داشتند. همچنین بین کلیه مولفه‌های ترومای کودکی با میل به خیانت رابطه مثبت معنادار وجود داشت و بین رفتار دلبستگی به خود و رفتار دلبستگی به همسر رابطه منفی معنادار با میل به خیانت وجود داشت. همچنین میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش همراه با کجی و چولگی بررسی شده است. پیش از تحلیل داده‌ها مفروضه‌های نرمال بودن و عدم هم خطی بررسی شد که نتایج آن در ادامه بیان می‌شود. محاسبه چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای مشهود، روشی رایج برای ارزیابی نرمال بودن است. چو و بنتلر^۱ (۱۹۹۵) نقطه برش ± 3 را برای مقدار چولگی مناسب می‌دانند. برای شاخص کشیدگی نیز به طور کلی مقادیر بیش از ± 10 در تحلیل مسیر مسئله آفرین است (کلاین، ۲۰۲۳). مقادیر به دست آمده برای چولگی و کشیدگی متغیرها حاکی از تحقق پیش‌فرض نرمال بودن در متغیرهای پژوهش دارد. برای بررسی مفروضه عدم هم خطی از آماره‌های عامل تورم واریانس (VIF) و شاخص تحمل استفاده شد که با توجه به اینکه هیچ یک از مقادیر مربوط به شاخص تحمل کمتر از 0.40 و هیچ یک از مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس بیشتر از 10 نیست، بر این اساس می‌توان نسبت به مفروضه عدم هم خطی نیز اطمینان حاصل کرد. به منظور آزمون مدل مورد نظر یعنی بررسی نقش میانجی رفتار دلبستگی از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل اصلاح شده طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ترومای کودکی با میل به خیانت با نقش میانجی رفتار دلبستگی

در شکل ۱ مدل اصلاح شده‌ی پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیر معنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند اصلاح و حذف شدند ($p > 0/001$) و همچنین مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با میل به خیانت در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
انفصال و طرد	رفتار دلبستگی همسر	-۰/۱۰۵	۰/۰۳۲	-۳/۲۲۸	۰/۰۰۱
دیگر جهت مندی	رفتار دلبستگی خود	-۰/۰۳۷	۰/۰۱۲	-۲/۹۷۲	۰/۰۰۳
سواستفاده عاطفی	رفتار دلبستگی همسر	-۰/۲۳۴	۰/۰۵۹	-۳/۹۷۹	۰/۰۰۱
غفلت جسمی	رفتار دلبستگی خود	-۰/۲۶۴	۰/۰۸۳	-۳/۱۸۲	۰/۰۰۱
غفلت عاطفی	رفتار دلبستگی خود	-۰/۱۷۷	۰/۰۴۶	-۳/۸۵۸	۰/۰۰۱
غفلت جسمی	رفتار دلبستگی همسر	-۰/۳۶۱	۰/۰۹۳	-۳/۸۷۰	۰/۰۰۱
سواستفاده جنسی	میل به خیانت	۱/۳۱۱	۰/۳۵۲	۳/۷۲۱	۰/۰۰۱
رفتار دلبستگی همسر	میل به خیانت	-۲/۴۲۲	۰/۳۰۲	-۸/۰۲۳	۰/۰۰۱
رفتار دلبستگی خود	میل به خیانت	-۱/۷۶۷	۰/۳۵۹	-۴/۹۲۱	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از $\pm 1/96$ است تأثیر معنی‌داری ($p < 0/001$) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیر معنادار از مدل حذف شدند.

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی داری پارامترهای برآورد شده با بوت استرپ

مسیر	Bootstrap	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
غفلت عاطفی ← رفتار دلبستگی همسر ← میل به خیانت	-۰/۳۱	-۰/۵۱	-۰/۱۷	۰/۰۰۱
غفلت جسمی ← رفتار دلبستگی خود ← میل به خیانت	-۰/۲۴	-۰/۳۶	-۰/۱۲	۰/۰۰۱
غفلت جسمی ← رفتار دلبستگی همسر ← میل به خیانت	-۰/۳۴	-۰/۴۱	-۰/۱۸	۰/۰۰۱
سواستفاده عاطفی ← رفتار دلبستگی خود ← میل به خیانت	-۰/۵۶	-۰/۶۴	-۰/۳۱	۰/۰۰۱
دیگر جهت‌مندی ← رفتار دلبستگی همسر ← میل به خیانت	-۰/۰۶	-۰/۱۱	-۰/۰۳	۰/۰۰۱
انفصال و طرد ← رفتار دلبستگی همسر ← میل به خیانت	-۰/۲۵	-۰/۳۹	-۰/۱۳	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد که اثر غیرمستقیم متغیرهای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ترومای کودکی از طریق رفتار دلبستگی معنی‌دار است. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مدل نهایی
نسبت خی‌دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۱/۰۲
درجه آزادی	-	۱۱
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۹
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۱
ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۳

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۳ سواستفاده جنسی با میل به خیانت رابطه مستقیم داشت. از سوی دیگر حیطه انفصال و طرد و دیگر جهت‌مندی از طریق رفتار دلبستگی به همسر به صورت غیر مستقیم قادر به پیش‌بینی میل به خیانت بودند. در نهایت غفلت عاطفی و غفلت جسمی از طریق رفتار دلبستگی همسر و غفلت جسمی و سواستفاده عاطفی از طریق رفتار دلبستگی خود به صورت غیرمستقیم توانست میل به خیانت را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی رفتار دلبستگی در ارتباط بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ترومای کودکی با میل به خیانت در مردان متأهل انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به صورت غیرمستقیم (حیطه انفصال و طرد و دیگر جهت‌مندی) از طریق رفتار دلبستگی بر میل به خیانت تأثیر دارد. این یافته با پژوهش‌های سوچتا و سترزلیسکی (۲۰۲۳)، کریمی و همکاران (۲۰۲۳)، بیک زاده و همکاران (۱۴۰۲) و یانوفسکی و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افراد دارای طرح‌واره‌های ناسازگار از راهبردهای مقابله‌ای ناسازگارانه در شرایط زندگی بهره می‌گیرند که این عامل نیز میل به خیانت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افرادی که طرح‌واره ناسازگار دارند، معمولاً در مهار احساسات خود دچار مشکل هستند. این می‌تواند موجب واکنش‌های تکانشی و رفتارهای غیرقابل کنترل شود که خیانت ممکن است یکی از این واکنش‌ها باشد. از آنجایی که ادراک و بازخورد زوجین به یکدیگر به شدت تحت تأثیر تحریف‌های شناختی قرار می‌گیرد، طرح‌واره‌های ناسازگار موجب سوگیری‌هایی در تفسیر رویدادها می‌شود و این سوگیری‌ها در روابط میان فردی به صورت عدم تفاهم، تحریف در نگرش‌ها، انتظارات غیرواقع بینانه در روابط پدید می‌آیند و با توجه به اینکه طرح‌واره‌ها در مسیر زندگی خود تداوم می‌یابند، بر چگونگی رابطه‌ی فرد با خود و دیگران تأثیر می‌گذارند (بار و همکاران، ۲۰۲۳). از سویی دیگر، رشد طرح‌واره‌ها از تعامل کودک با اعضای خانواده و همسالانش سرچشمه می‌گیرند؛ و این مسئله در آینده و در روابط زناشویی نیز می‌تواند دلبستگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. وقتی فرد دارای طرح‌واره‌های ناسازگار انفصال و طرد و دیگر جهت‌مندی باشد، نمی‌تواند دلبستگی مناسبی در روابط زناشویی داشته باشد؛ زیرا لازمه دلبستگی در روابط زناشویی توانایی صمیمیت است که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مانع آن می‌شود. افراد فاقد دلبستگی در روابط زناشویی فاقد مهارت‌های لازم برای برقراری و شکل‌دهی روابط زناشویی هستند، لذا در برخورد با مشکلات بیشتر و زودتر دچار دل‌زدگی زناشویی می‌شوند و این امر احتمال خیانت را در آن‌ها افزایش می‌دهد (یانوفسکی و همکاران، ۲۰۲۰). از دیگر ویژگی‌های افراد فاقد دلبستگی در روابط زناشویی، فقدان اعتمادبه‌نفس و خودتنظیمی است. از آنجا که این افراد به خاطر عدم حمایت و تأیید همسر، احساس طردشدگی دارند و احساس می‌کنند که بر زندگی کنترل ندارند، اعتماد به نفس آن‌ها کاهش یافته و احساس گناه و ناامیدی می‌کنند. در نتیجه اضطراب و استرس شدیدی را تجربه کرده که منجر به عدم سازگاری با مشکلات می‌گردد که این ویژگی‌ها به روابط زناشویی آن‌ها نیز لطمه می‌زند و به مرور باعث ایجاد خیانت می‌گردد (سوچتا و سترزلیسکی، ۲۰۲۳).

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که ترومای کودکی به صورت غیرمستقیم از طریق رفتار دلبستگی بر میل به خیانت تأثیر دارد. این یافته با پژوهش‌های شهزاد و همکاران (۲۰۲۴)، روکاچ و چان (۲۰۲۳)، کوزمینسکیت و همکاران (۲۰۲۱) و عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت دوران کودکی یکی از آسیب‌پذیرترین دوران زندگی هر فردی است و وقایع این دوران می‌تواند تا آخر عمر زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. تجربه منفی ترومای کودکی می‌تواند موجب شکل‌گیری بی‌اعتمادی و باورهای منفی نسبت به دیگران شده و در روابط بین فردی افراد مانند روابط زناشویی تأثیر مخربی داشته باشد. افرادی که سابقه ترومای پیچیده دارند، در مواجهه با مشکلات واکنش‌های انعطاف‌ناپذیرتری از خود نشان می‌دهند و گاهی در برابر تعارضات خود با دیگران به خصوص شریک زندگی، قادر به حل تعارض نیستند (روکاچ و چان، ۲۰۲۳). درواقع، آنچه باعث می‌شود که ترومای کودکی منجر به پیامدهای منفی در روابط بزرگسالی شود، نداشتن دلبستگی مناسب در روابط زناشویی است. بسیاری از بزرگسالانی که در کودکی تروما را تجربه کرده‌اند، مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تری دارند و قادر به ایجاد روابط صمیمانه نیستند. نحوه پردازش اطلاعات در مورد یک رویداد آسیب‌زا بسته به ماهیت رابطه بین مرتکب و قربانی متفاوت است و این آسیب می‌تواند به میل به خیانت منتهی شود (شهزاد و همکاران، ۲۰۲۴). از سویی دیگر در تبیین این یافته‌ها می‌توان به تئوری عمل معوق فروید اشاره کرد که در آن یک رویداد ثانویه، ترومای اولیه را که از حافظه سرکوب شده است، دوباره فعال می‌نماید. درواقع یک رویداد ثانویه در زندگی بیمار می‌تواند باعث فعال‌سازی آسیب‌های اولیه وی شود و یک تعارض

یا مسئله حل نشده را دوباره بیدار کند؛ بنابراین رویدادهای بعدی زندگی مانند خیانت زناشویی می‌تواند آسیب‌های دوران کودکی مانند انواع سوءاستفاده‌های جسمی، عاطفی و جنسی را فعال نماید (عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر می‌توان گفت که انواع تروماهای دوران کودکی خود موجب ایجاد سبک‌های دلبستگی ناایمن مثل سبک‌های اجتنابی و یا اضطرابی می‌شود و این بر روابط بزرگسالی فرد تأثیر می‌گذارد. درواقع این الگوی ارتباطی بعدها در زندگی فرد تعمیم یافته و احتمال خیانت بزرگسالی در زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد و به نوعی ممکن است فرد یا در نقش آزارگر و یا در نقش قربانی قرار بگیرد و به صورت اجبار به تکرار آسیب‌های گذشته را تکرار کند (شهزاد و همکاران، ۲۰۲۴).

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ترومای کودکی و رفتار دلبستگی نقش مهمی در گرایش به خیانت ایفا می‌کنند. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از طریق نقشی که بر دلبستگی در روابط زناشویی دارند، می‌توانند بر درک فرد از زندگی زناشویی تأثیر بگذارند و میل به خیانت را کاهش یا افزایش دهند. در واقع طرح‌واره‌ها به واسطه ارتباط و تأثیری که بر سبک دلبستگی می‌گذارند، می‌توانند بر میل به خیانت تأثیر داشته باشند. از سویی دیگر، آنچه باعث می‌شود که ترومای کودکی منجر به پیامدهای منفی از قبیل خیانت زناشویی در روابط بزرگسالی شود، نداشتن دلبستگی مناسب در روابط زناشویی است؛ بنابراین درک بالینی بهتر از رفتار دلبستگی در آسیب‌شناسی میل به خیانت یک عنصر کلیدی در ارزیابی و کار بالینی با مردان متأهل است. لذا پیشنهاد می‌شود مشاوران و روانشناسان بالینی با استفاده از روش‌های طرح‌واره‌درمانی و درمان‌های دلبستگی محور از قبیل درمان مبتنی بر ذهنی سازی از نتایج این پژوهش در راستای کمک به بهبود زندگی زناشویی افراد استفاده کنند.

در زمینه محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مقطعی بودن اشاره کرد، از آنجایی که مطالعه مبتنی بر همبستگی است، بنابراین نتیجه‌گیری و استنباط از این مطالعه نیز باید بر اساس روابط همبستگی صورت گیرد نه بر اساس روابط علت و معلولی؛ همچنین در پژوهش حاضر از مقیاس‌های خود گزارشی استفاده شده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در بین مردان متأهل شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انجام پذیرفت، در تعمیم نتایج باید محتاط بود. با توجه به اینکه این پژوهش در بین مردان متأهل شهر تهران صورت پذیرفته است، پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه در سایر شهرها صورت پذیرد و نتیجه‌ی آن با نتیجه‌ی پژوهش حاضر مقایسه گردد.

منابع

- بشیرپور، م؛ شفیع آبادی، ع؛ و دوکانه‌ای فرد، ف. (۱۳۹۷). ویژگی‌های روانسنجی مقیاس گرایش به خیانت زناشویی، *روان سنجی*، ۶(۲۴)، ۳۷-۵۵.
<https://sanad.iau.ir/Journal/jpsy/Article/1111456/FullText>
- بیرموند، ی؛ امیدی ارجنکی، ز؛ و صالح زاده، م. (۱۴۰۲). پیش‌بینی گرایش به خیانت زناشویی براساس استفاده از هرزه‌نگاری اینترنتی با نقش واسطه‌ای کیفیت روابط زناشویی. *فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۴(۴)، ۱۸۵-۲۰۱.
<https://doi.org/10.22059/japrr.2024.336861.644159>
- بیک زاده، خ؛ امامی پور، س؛ و باغداساریانس، آ. (۱۴۰۲). تدوین مدل روابط فرا زناشویی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و صمیمیت زناشویی با میانجیگری انعطاف‌پذیری شناختی، *روان پرستاری*، ۱۱(۵)، ۲۷-۱۵.
<http://dx.doi.org/10.22034/IJPN.11.5.15>
- پروایی، ش؛ مام شریفی، پ؛ و شهامت ده سرخ، ف. (۱۴۰۲). مدل خود خاموشی و گرایش به طلاق با نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در زنان متأهل. *رویش روان شناسی*، ۱۲(۹)، ۱۶۹-۱۷۸.
<http://frooyesh.ir/article-1-4750-fa.html>
- خاکپور، س؛ خواجه‌وند خوشلی، اف؛ حسن زاده، ر؛ و اسدی، جوانشیر. (۱۴۰۱). بررسی نقش میانجی گر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با واکنش مثبت به استرس در زنان متأهل سیل زده شهرستان آق قلا. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۱(۱۱۹)، ۲۲۴۹-۲۲۶۸.
<http://dx.doi.org/10.52547/JPS.21.119.2249>
- رسولی، م؛ بابایی گرمخانی، م؛ و داورنیا، ر. ارزیابی ویژگی‌های روان سنجی مقیاس کوتاه دسترسی‌پذیری، پاسخگویی و همدم طلبی (BARE): ابزاری برای سنجش رفتار دلبستگی در روابط زناشویی. *مجله علوم پزشکی زانکو*، ۱۹(۶۲)، ۱۷-۱۰.
<http://zanko.muk.ac.ir/article-1-358-fa.html>
- ذررانی، ا؛ برماس، ح؛ و ثابت، م. (۱۳۹۹). همبستگی ترومای کودکی و ایده پردازی خودکشی با میانجیگری درد روانی و روابط موضوعی. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*، ۹(۳)، ۴۸-۳۴.
<http://jhpm.ir/article-1-1143-fa.html>
- عزیزپور، ص؛ رضاپور میرصالح، ی؛ و متقی، ش. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد هیجانی و روان‌شناختی آسیب‌های دوران کودکی در مردان و زنان دارای پیشینه خیانت زناشویی. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۱۰(۲)، ۳۲۹-۳۶۰.
<https://doi.org/10.22034/fcp.2021.61959>
- Altınok, A., & Kılıç, N. (2020). Exploring the associations between narcissism, intentions towards infidelity, and relationship satisfaction: Attachment styles as a moderator. *PloS one*, 15(11), e0242277. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0242277>
- Bär, A., Bär, H. E., Rijkeboer, M. M., & Lobbestael, J. (2023). Early Maladaptive Schemas and Schema Modes in clinical disorders: A systematic review. *Psychology and psychotherapy*, 96(3), 716-747. <https://doi.org/10.1111/papt.12465>

- Becvar, R. J., Becvar, D. S., & Reif, L. V. (2023). *Systems theory and family therapy: A primer*. Rowman & Littlefield.
- Bergen, D. (2022). Developing Attachment: The Theoretical Work of John Bowlby and Mary Ainsworth. In *Theories of Early Childhood Education* (pp. 118-127). Routledge.
- Bernstein, D. P., Stein, J. A., Newcomb, M. D., Walker, E., Pogge, D., Ahluvalia, T., Stokes, J., Handelsman, L., Medrano, M., Desmond, D., & Zule, W. (2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child abuse & neglect*, 27(2), 169–190. [https://doi.org/10.1016/s0145-2134\(02\)00541-0](https://doi.org/10.1016/s0145-2134(02)00541-0)
- Bishop, A., Younan, R., Low, J., & Pilkington, P. D. (2022). Early maladaptive schemas and depression in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical psychology & psychotherapy*, 29(1), 111–130. <https://doi.org/10.1002/cpp.2630>
- Campbell K. A. (2022). The neurobiology of childhood trauma, from early physical pain onwards: as relevant as ever in today's fractured world. *European journal of psychotraumatology*, 13(2), 2131969. <https://doi.org/10.1080/20080666.2022.2131969>
- Chou, C.-P., & Bentler, P. M. (1995). Estimates and tests in structural equation modeling. In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications* (pp. 37–55). Sage Publications, Inc.
- El Frenn, Y., Akel, M., Hallit, S., & Obeid, S. (2022). Couple's Satisfaction among Lebanese adults: Validation of the Toronto Alexithymia Scale and Couple Satisfaction Index-4 scales, association with attachment styles and mediating role of alexithymia. *BMC Psychology*, 10, Article 13. <https://doi.org/10.1186/s40359-022-00719-6>
- Garrusi, B., & Nakhaee, N. (2009). Validity and reliability of a Persian version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Psychological reports*, 104(2), 509–516. <https://doi.org/10.2466/PRO.104.2.509-516>
- Güler, K. (2022). Early period maladaptive schemas, psychological symptoms, and examining the tendency of deception. *The European Research Journal*, 8(2), 232-241. <https://doi.org/10.18621/eurj.1034350>
- Ie, J. (2023). The concept of family: Perspectives of Spanish young people in foster care. *Child & Family Social Work*, 28(2), 503-514. <https://doi.org/10.1111/cfs.12980>
- Janovsky, T., Rock, A. J., Thorsteinsson, E. B., Clark, G. I., & Murray, C. V. (2020). The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 27(3), 408–447. <https://doi.org/10.1002/cpp.2439>
- Karimi, S., Doostdari, F., Bahadoriyan Lotfabadi, N., Yosefi, R., Soleymani, M., Kianimoghdam, A. S., & Safari, F. (2023). The Role of Early Maladaptive Schemas in Predicting Legitimacy, Seduction, Normalization, Sexuality, Social Background, and Sensation Seeking in Marital Infidelity. *Practice in Clinical Psychology*, 11(3), 249-258. <http://dx.doi.org/10.32598/jpcp.11.3.848.2>
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). Guilford Press.
- Kuzminkaite, E., Penninx, B. W. J. H., van Harmelen, A. L., Elzinga, B. M., Hovens, J. G. F. M., & Vinkers, C. H. (2021). Childhood Trauma in Adult Depressive and Anxiety Disorders: An Integrated Review on Psychological and Biological Mechanisms in the NESDA Cohort. *Journal of affective disorders*, 283, 179–191. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.01.054>
- Li, X., Curran, M. A., LeBaron-Black, A. B., Jorgensen, B., Yorgason, J., & Wilmarth, M. J. (2021). Couple- level attachment styles, finances, and marital satisfaction: Mediation analyses among young adult newlywed couples. *Journal of Family and Economic Issues*, 1-18. <https://doi.org/10.1007/s10834-021-09808-x>
- McKay, M. T., Cannon, M., Chambers, D., Conroy, R. M., Coughlan, H., Dodd, P., Healy, C., O'Donnell, L., & Clarke, M. C. (2021). Childhood trauma and adult mental disorder: A systematic review and meta-analysis of longitudinal cohort studies. *Acta psychiatrica Scandinavica*, 143(3), 189–205. <https://doi.org/10.1111/acps.13268>
- Metcalfe, L. (2023). *Marriage and family therapy: A practice-oriented approach*. Springer Publishing Company.
- Oei, T. P. S., & Baranoff, J. (2007). Young schema questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of Psychology*, 59(2), 78–86. <https://doi.org/10.1080/00049530601148397>
- Peng, W., Liu, Z., Liu, Q., Chu, J., Zheng, K., Wang, J., Wei, H., Zhong, M., Ling, Y., & Yi, J. (2021). Insecure attachment and maladaptive emotion regulation mediating the relationship between childhood trauma and borderline personality features. *Depression and anxiety*, 38(1), 28–39. <https://doi.org/10.1002/da.23082>
- Rokach, A., & Chan, S. H. (2023). Love and Infidelity: Causes and Consequences. *International journal of environmental research and public health*, 20(5), 3904. <https://doi.org/10.3390/ijerph20053904>
- Rogers, C. R., Chen, X., Kwon, S. J., McElwain, N. L., & Telzer, E. H. (2022). The role of early attachment and parental presence in adolescent behavioral and neurobiological regulation. *Developmental cognitive neuroscience*, 53, 101046. <https://doi.org/10.1016/j.dcn.2021.101046>
- Sandberg, J. G., Novak, J. R., Davis, S. Y., & Busby, D. M. (2016). The Brief Accessibility, Responsiveness, and Engagement Scale: A Tool for Measuring Attachment Behaviors in Clinical Couples. *Journal of marital and family therapy*, 42(1), 106–122. <https://doi.org/10.1111/jmft.12151>
- Sevi, B., Urganci, B., & Sakman, E. (2020). Who cheats? An examination of light and dark personality traits as predictors of infidelity. *Personality and Individual Differences*, 164, Article 110126. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110126>
- Shahzad, F., Bilal, A., & Arif, M. (2024). Impact of Childhood Trauma and Attachment Styles on Marital Satisfaction. *Human Nature Journal of Social Sciences*, 5(2), 235-247. <https://hnpublisher.com/ojs/index.php/HNJSS/article/view/495>
- Shrout, M. R., & Weigel, D. J. (2020). Coping with infidelity: The moderating role of self-esteem. *Personality and Individual Differences*, 154, Article 109631. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109631>
- Sisi, Q., Jinfeng, Z., Lili, W., & Jianxin, Z. (2021). Attachment Styles, Self-Esteem, Flexible Goal Adjustment, and Intimate Relationship Satisfaction in Women: A Moderated Mediation Model. *The Journal of psychology*, 155(4), 426–440. <https://doi.org/10.1080/00223980.2021.1896463>
- Sójta, K., & Strzelecki, D. (2023). Early Maladaptive Schemas and Their Impact on Parenting: Do Dysfunctional Schemas Pass Generationally?-A Systematic Review. *Journal of clinical medicine*, 12(4), 1263. <https://doi.org/10.3390/jcm12041263>
- Warach, B., & Josephs, L. (2021). The aftershocks of infidelity: A review of infidelity-based attachment trauma. *Sexual and Relationship Therapy*, 36(1), 68–90. <https://doi.org/10.1080/14681994.2019.1577961>
- Zeytinoglu-Saydam, S., Erdem, G., & Söylemez, Y. (2021). Psychometric properties of the brief accessibility, responsiveness, and engagement scale in a community sample of Turkish adults. *Family Relations*, 70(2), 557-574. <https://doi.org/10.1111/fare.12446>